



مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی: شیما نادری، مجید مطلبی

واکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه: مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی: ابوالفتح خالقی، زهرا میرزائی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران: افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

:محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناچی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

:محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان: میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک: مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات: امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت: رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی: محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی: سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا: محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر: نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران: یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

:سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام: علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی: غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل: محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران: سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری: رضا طجرلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها: صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لا: رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه: اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه: سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی: سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا: احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی: مرتضی جوان سرند

Legal Civilization
vol.4, No.9, Fall 2021 & Winter 2022
Pages: 269-284
Article Type: Original Research
http://www.pzhfars.ir/article_136547.html
doi: 10.22034/LC.2022.136547



تمدن حقوقی
دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۲۶۹-۲۸۴
نوع مقاله: علمی پژوهشی

Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America

Mohammad Setayesh Pur

Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

Eisa Poodat

Master of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author)

تحلیل عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

محمد ستایش پور

استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

mohammadsetayeshpur@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0001-9647-9391>

عیسی پودات

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

nesapoodat68@gmail.com

Abstract

The issue of the relationship between the Islamic Republic of Iran and the United States is one of the most important political, economic and social issues in the region and the world in the last four decades. The Amity Treaty was signed in 1955 between Iran and the United States to protect a healthy, peaceful relationship without economic and political tensions. Although the MOU has been the source of do's and don'ts for the parties, in many cases these obligations have not been applied or violated by the treaty's contractors, whether or not they have violated the terms of the treaty. It became possible to bring justice and jurisdiction to this organization. Now, although the United States has announced its withdrawal from the treaty and this decision has affected the proceedings of the International Court of Justice, it is possible for the Iranian government and its persons to comply with their obligations in the event of breach of the treaty until the treaty expires. It does not preclude the claim for damages resulting from a breach of its obligations. As a result, the Court's performance in its rulings reflects the Court's approach to narrowly interpreting the Convention on the basis of jurisdiction, and has adhered to its decisions and findings in matters of form and jurisdiction, as the Court's view is that irreparable damages are merely financial damages. No, but damage to human lives.

Keywords: International Court of Justice, Amity agreement, International responsibility, Breach of obligations, Islamic Republic of Iran.

چکیده

مسئله ارتباط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا یکی از مباحث سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهم در چهاردهه گذشته در منطقه و جهان محسوب می‌گردد. عهدنامه مودت در راستای حراست از یک رابطه سالم و مسالمت آمیز و بدون تنش اقتصادی و سیاسی در ۱۹۵۵ میان ایران و ایالات متحده آمریکا منعقد گردید. اگرچه عهدنامه مودت منشاء ایجاد بایدها و نبایدهایی برای طرفین بوده است، در بسیاری از موارد تکالیف مزبور خواسته و یا نخواست توسط متعاهدین عهدنامه اعمال نشده و نقض گردیده است که با توجه به شروط مندرج در عهدنامه، ارجاع اختلافات حاصله به توافق طرفین به دیوان بین‌المللی دادگستری و اعطای صلاحیت به این سازمان ممکن گردید. حال اگرچه ایالات متحده اعلام به خروج از عهدنامه مذکور نموده است و این تصمیم بر فرآیند دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری تأثیر داشته است، لیکن امکان الزام اجرای تعهدات در صورت نقض، برای دولت ایران و اشخاص آن تا زمان اعتبار عهدنامه وجود دارد و اختتام عهدنامه مانع از مطالبه خسارات ناشی از نقض تعهدات آن نیست. در نتیجه عملکرد دیوان در آراء و تصمیمات خود نشان دهنده رویکرد دیوان در تفسیر مضیق عهدنامه مبنای صلاحیت است و در تصمیمات یافته‌های خود در حیطه مسائل شکلی و صلاحیتی پایبند بوده است، چرا که نظر دیوان، معیار خسارت‌های جبران‌ناپذیر صرفاً خسارت مالی نیست، بلکه صدمه و خسارت به جان انسان هاست.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، عهدنامه مودت، مسئولیت بین‌المللی، نقض تعهدات، جمهوری اسلامی ایران.

Received:2021/08/22 - Review: 2021/10/03 - Accepted:2021/11/23

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

ارجاع:

ستایش پور، محمد؛ پودات، عیسی؛ (۱۴۰۰)، تحلیل عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

علی‌الاصول عهدنامه‌ها برای طرفین توافق، همانطور که حقی ایجاد می‌نماید، برای متعهدین، یک تعهد و پابندی نیز به تبعیت به وجود می‌آورد.^۱ لذا یک عهدنامه بین‌المللی، هم ایجادکننده حق می‌باشد و هم سبب تکلیف. بنابراین این خصوصیت منحصر به عهدنامه‌هایی که منبع و مبانی تدوین قوانین در کشورها می‌شوند نخواهد بود، بلکه از جهت وجود «تعهد حقوقی» به عهدنامه‌های قراردادی یا سرمایه‌گذاری نیز سرایت خواهد کرد. عهدنامه مودت ایران و ایالات متحده آمریکا نیز یکی از همین عهدنامه‌ها می‌باشد که در سال ۱۹۵۵ به امضای دوطرف رسید و از سال ۱۹۵۷ برای دوطرف در روابط فی‌مابین لازم‌الاجرا بوده است. عهدنامه مودت به استناد بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت از آن دسته معاهداتی است که در آن قید ارجاع اختلافات حاصله به دیوان بین‌المللی دادگستری درج شده است. حال سوال آن است که آیا پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و اعلام به خروج از عهدنامه مودت و تأثیراتی که این خروج بر فرآیند دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری گذاشته است، امکان طرح دعوی جهت الزام اجرای مفاد عهدنامه و رفع رفتارهای نقض‌کننده و جبران خسارات وارده از عدم اجرای تعهدات وجود دارد؟ با توجه به یافته‌های پژوهش در پاسخ می‌توان اظهار داشت برای دولت ایران و اشخاص آن تا زمان اعتبار عهدنامه وجود دارد و اختتام عهدنامه مانع از مطالبه خسارات ناشی از نقض تعهدات آن نیست، لیکن

۱- بروز همزمان و متقارن حق و تکلیف در یک سند حقوقی ملازمه ندارد و از این رو ممکن است حق به گونه‌ای و در مقابل، تکلیف به نحو دیگری خود را نشان دهد.

در مقاله پیش رو به بررسی کیفیت عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه حل اختلافات حاصله و صلاحیت خود در دخالت در مسائل میان دولت ایران و آمریکا پرداخته می‌شود.

۱- بررسی اجمالی عهدنامه مودت

۱-۱- پیشینه عهدنامه مودت

عهدنامه مودت در روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده آمریکا، از جمله مهم‌ترین چهارچوب‌های حقوقی روابط این دو کشور در بیش از شصت سال است. این عهدنامه در پانزدهم اوت ۱۹۵۵ در تهران امضاء شد و از شانزدهم ژوئیه ۱۹۵۷ به اجرا در آمد. این عهدنامه، جزئی از سلسله معاهداتی است که هر یک از دو کشور در روابط دوجانبه خود با دیگر کشورها منعقد کرده‌اند (Herman, 1958, 80). به طور معمول، استقبال دولت‌ها از این معاهدات، به علت انعطاف‌پذیری آنها است که به طرفین اجازه می‌دهد ضمن توجه به منافع ملی و داخلی خود، به برقراری روابط اقتصادی، سیاسی و حتی حقوقی شان بپردازند (شهبازی، ۱۳۹۰، ۵۸).

عهدنامه مودت راجع به منافع تجاری اتباع دو کشور در سرزمین‌های یکدیگر و در زمینه‌ی موضوعات معین کنسولی است و حاوی مقرراتی مربوط به ورود و اقامت، آزادی شخصی، حقوق مالی، حقوق مربوط به فعالیت‌های تجاری، مالیات، مقررات ارزی و دیگر موضوعات مؤثر بر وضعیت و فعالیت اتباع و مؤسسات یک کشور در سرزمین دیگری می‌باشد. این عهدنامه رفتاری را که هر کشور نسبت به اتباع کشور دیگر باید داشته باشد را مشخص و حمایت از شرکت‌ها و اموال آنها را فراهم می‌سازد (Christise, 1991, 69).

۱-۲- مبانی عهدنامه مودت

عهدنامه مودت ۱۹۵۵ ایران و ایالات متحده آمریکا دارای مبانی کلی می‌باشد، به طوری که حقوق و تعهدات مندرجدر این سند در چند محور کلی قابل طبقه‌بندی است. از جمله: نخست- تعیین شرایط اقامت اتباع دو کشور در قلمرو سرزمینی یکدیگر^۱، دوم- تعیین وضعیت شرکت‌ها و دسترسی شان به مراجع و داوری^۲، سوم- حفاظت از اتباع، شرکت‌ها، اموال و نهادهای هر یک از دو کشور^۳، چهارم- تعیین شرایط خرید و فروش اموال منقول و حفظ و حراست از حقوق مرتبط با مالکیت فکری^۴، پنجم- تعیین سیستم

۲- ماده ۲

۳- ماده ۳

۴- ماده ۴

۵- ماده ۵

پرداخت و دریافت مالیات^۶، ششم - تعیین شرایط سیستم حمل و نقل و جابه جایی^۷، هفتم - تعیین تعهدات گمرکی و دیگر محدودیت های وارداتی^۸، هشتم - آزادی تجارت و دریانوردی^۹، نهم - تعیین حقوق و تعهدات کنسولی^{۱۰}. علاوه بر این، مطابق ماده یک عهدنامه زمینه اصلی این عهدنامه، همان گونه که در نخستین ماده آن به صراحت آمده، تضمین صلح مستمر و مودتی صادقانه در روابط دوجانبه است.

۲- نقض عهدنامه مودت توسط ایالات متحده آمریکا و صلاحیت دیوان بین

المللی دادگستری

۲-۱- نقض عهدنامه مودت و اعتبار آن

در عهدنامه وین در خصوص نقض یک عهدنامه دوجانبه از طرف یکی از متعهدین، در بند اول ماده ۶۰ بیان می دارد که طرف دیگر می تواند در مقابل این نقض، دست به تعلیق یا فسخ کامل یا بخشی از عهدنامه بزند. لیکن این تعلیق یا فسخ می بایست به صورت یک عمل حقوقی صورت گیرد، که در خصوص عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان ایران و ایالات متحده آمریکا هیچ اختتام یا فسخی در مسیر عهدنامه به عنوان یک عمل حقوقی از سوی هر یک از طرفین صورت پذیرفته است (میرفخرایی و پیری، ۱۳۹۵، ۹۸). در مقابل برخی به استناد بند ۱ ماده ۶۲ کنوانسیون وین، تغییر اوضاع و احوال اساسی یک عهدنامه را نسبت به زمان انعقاد آن را از علایم فسخ یا اختتام می دانند (نقدی، ۱۳۹۱، ۳۳). به عبارت دیگر تغییر حکومت و اوضاع و احوالی که در ایران نسبت به زمان انعقاد عهدنامه (یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی ۱۳۵۷)، صورت پذیرفت را یک فسخ ضمنی عهدنامه مودت ۱۹۵۵ تلقی نموده اند. این در حالی است که بند فوق الاشاره مقرر می دارد: «تغییر اساسی در اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد عهدنامه که دوستانه توسط طرف های عهدنامه پیش بینی نشده است، نمی تواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج عهدنامه مورد استناد قرار گیرد مگر در دو صورت، از جمله تغییر بنیادی صورت گرفته در ابعاد تعهداتی که زمان اجرای آن باقیمانده موثر بوده و یا وجود اوضاع و احوال مزبور مبنای بنیادی رضایت طرف های عهدنامه به التزام نسبت به عهدنامه باشد.» لذا با توجه به نص بند اخیر، نه دولت ایران و نه دولت ایالات متحده آمریکا به اصل مورد اشاره (دگرگونی های بنیادی) به هیچ وجه در روابط حقوقی شان استناد نموده اند و نمی توان

۶- ماده ۶

۷- ماده ۷

۸- مواد ۸ و ۹

۹- مواد ۱۰ و ۱۱

۱۰- مواد ۱۲ و ۱۳

دگرگونی‌های صورت گرفته در راستای تغییر حکومت در ایران را ادله‌ای بر فسخ یا اختتام عهدنامه مودت تلقی نمود.

همچنین برخی دیگر نیز به ماده ۶۳ کنوانسیون وین در صدد معدوم تلقی کردن عهدنامه مودت ۱۹۵۵ برآمده‌اند. ماده اخیر در خصوص قطع روابط سیاسی و کنسولی میان متعهدین، بیان داشته است که انقطاع پیوستگی‌ها و ارتباط‌های کنسولی و سیاسی میان طرف‌های عهدنامه، هیچ تأثیری بر روابط حقوقی که از یک عهدنامه برمی‌آید، نخواهد گذاشت، ولیکن چنانچه ضرورت این پیوستگی‌ها و ارتباطات کنسولی جهت اعمال عهدنامه، احساس گردد، می‌توان به فسخ عهدنامه اشاره نمود (Wrestlers, 1998, 16). لیکن همانطور که مشهود است هیچ‌یک از دولت ایران و ایالات متحده آمریکا خواستار اختتام به استناد این بند و ضرورت روابط سیاسی در اجرای عهدنامه ننموده‌اند و می‌توانند جهت اجرای عهدنامه از دول ثالث مساعدت گیرند. لذا می‌توان اظهار داشت که با توجه به متون عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹، بین دو دول ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر حقوقی همچنان پابرجا و لازم‌الاتباع می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۰، ۶۹).

۲-۲- صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در حل اختلافات ناشی از عهدنامه مودت

یکی از مهم‌ترین ارکان قضائی رسیدگی به اختلافات بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری است. دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق ماده ۳۶ اساسنامه خود، از طرق مختلفی صلاحیت رسیدگی به قضایای ارجاعی را کسب می‌کند (Philip, 1998, 1). یکی از راه‌های کسب صلاحیت اجباری دیوان برای رسیدگی به قضیه دعوی این است که طرفین، به طور همزمان طرفین عهدنامه‌ای محسوب شوند که بر اساس تعهدات مندرج در آن، موظفند تا هرگونه اختلافات ناشی از تفسیر و اعمال سند مزبور را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند. عهدنامه مودت ۱۹۵۵ نیز به استناد بند دوم ماده ۲۱ عهدنامه مودت از آن دسته معاهداتی است که چنین قیدی در آن درج شده است (مجیبی، ۱۳۸۲، ۴۳).

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در این راستا نیز به دو صورت توافقی و مشورتی می‌باشد. در صلاحیت توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری به دعاوی و اختلافاتی با رضایت و توافق طرفین اختلاف که بدان ارجاع می‌گردد، رسیدگی خواهد کرد و چنانچه در این میان توافقی نبوده باشد می‌تواند بدان معترض‌گردند (آقایی و شاه‌میرزایی، ۱۳۹۱، ۶۱). بند دوم ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص مقرر داشته است که امضاءکننده اساسنامه مزبور می‌تواند هر زمانی اعلام نماید که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به تمامی اختلافاتی که جنبه قضائی داشته را خود به خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند (امینی و عابد، ۱۳۹۸، ۷). عهدنامه مودت ۱۹۵۵ نیز از عهدنامه

هائی می باشد که دول ایران و ایالات متحده آمریکا در صورت اختلاف می توانند به دیوان بین المللی دادگستری مراجعه نمایند (شهبازی، ۱۳۹۰، ۵۹). به صورتی که در بند دوم ماده ۲۱ عهدنامه در این خصوص مقرر داشته است که چنانچه در اعمال مواد و مفاد عهدنامه، در مسئله ای توافقات حاصله منجر به حل مسالمت آمیز آن نگردد، با توافق و رضایت طرفین اختلاف مزبور به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع شود (میرفخرایی و پیری، ۱۳۹۵، ۱۰۰).

در ذیل به صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در برخی حیطه های مربوط به عهدنامه مودت می پردازیم.

الف- تقاضای اجرای عین تعهدات: تقاضا و بازخواست عین تعهدات ناشی از عهدنامه مودت از دیوان بین المللی دادگستری پس از اختتام عهدنامه نیز امکان ندارد، چرا که اقامه دعوی که مربوط به مرحله اثباتی است، در صورتی امکان دارد که سابقا در مرحله ثبوتی برای طرف عهدنامه حقیقی به وجود آمده باشد که جز الف، بند اول ماده ۷۰ کنوانسیون وین در بحث حقوق معاهدات بدان اشاره نموده است (فلسفی، ۱۳۹۱، ۸۲).

ب- تقاضای جبران خسارت ناشی از نقض مفاد عهدنامه: تقاضای این حق مطابق جز «ب» بند اول ماده ۷۰ کنوانسیون وین، حتی چنانچه عهدنامه اختتام یابد نیز ممکن است، چرا که اگر اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورت نقض مفادی از عهدنامه توسط یکی از طرفین دچار خسارت گردند، حق اقامه دعوا و ارجاع آن به دیوان بین المللی دادگستری را خواهند داشت.

پ- تقاضای اعمال عین بایدها و نبایدهای دستور موقت: در مواردی که دیوان بین المللی دادگستری با صدور دستور موقت بایدها و نبایدهائی را برای یکی از متعهدین تعیین می کند، دیوان بین المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به دعوای الزام را دارا می باشد، چرا که دستور موقت در هنگامی اصدار گردیده که عهدنامه اعتبار لازم را داشته است و دیوان بین المللی دادگستری در جهت اعمال مفاد عهدنامه دست به صدور دستور موقت زده است و از طرفی دیگر به استناد ماده ۴۱ اساسنامه خود دیوان بین المللی دادگستری، این حق را برای دیوان بین المللی دادگستری احصاء نموده است که تا هنگام رای نهائی به صورت دستور موقت، بایدها و نبایدهائی را برای طرفین مقرر کند. همچنین می توان به ماده ۷۶ قواعد آئین دادرسی دیوان بین المللی دادگستری^{۱۱} در خصوص امکان تغییر یا تعلیق دستور موقت به علت دگرگونی اوضاع و احوال به درخواست یکی از طرفین دعوی، اشاره نمود (یوسفی، ۱۳۹۱، ۲۲).

۱۱- ماده ۷۶: اگر به نظر دیوان بعضی تغییرات در اوضاع و احوال رخ داده باشد که چنین فسخ یا اصلاحی را توجیه نماید، دیوان در هر زمان پیش از حکم نهائی دعوا می تواند تصمیم مربوط به دستور موقت را فسخ یا اصلاح کند و نیز به موجب بند ۲ همان ماده در

۳- عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری ناشی از نقض عهدنامه مودت

با انعقاد عهدنامه مودت در ۱۹۵۵ میان ایران و ایالات متحده آمریکا و تحولات سیاسی، اجتماعی و تجاری ایران پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و رفتارهای نامتعارف ایالات متحده آمریکا در ضدیت و نقض عهدنامه مودت موجب ارجاع بسیاری از اختلافات ناشی از آن به دیوان بین‌المللی دادگستری و دخالت دیوان بین‌المللی دادگستری در حل آن‌ها گردید. در ذیل به بررسی عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در حل اختلافات ناشی از نقض این عهدنامه می‌پردازیم.

۳-۱- پرونده مامورین دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده آمریکا

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانشجویان ایرانی در آبان ۱۳۵۸ دست به اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا زدند که پس از آن ایالات متحده آمریکا دادخواستی بر علیه جمهوری اسلامی ایران با عنوان واقعه مزبور برای دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال نمود و نتیجتاً با وقوع رخداد مذکور نخستین دعوی ایران و آمریکا در تاریخ بیست و نهم نوامبر ۱۹۷۹ به تقاضای ایالات متحده آمریکا به دبیرخانه دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردید که گروگانگیری و مسئله اشغال سفارت را ناقض بند چهارم^{۱۲} ماده ۲ و مواد «۱۳»^{۱۳} و «۱۸» و «۱۹»^{۱۴} عهدنامه مودت ۱۹۵۵ تلقی می‌نمود (شهبازی، ۱۳۹۰، ۶۲).

لذا دیوان بین‌المللی دادگستری در مورخ پانزدهم دسامبر ۱۹۷۹ با اصدار دستور موقتی ایران را دعوت به شرکت در جلسات جهت حل اختلاف نمود که در پی آن ایران به این دعوت پاسخ نداده و ماحصل

درخواست طرف پیشنهادکننده فسخ یا اصلاح، تغییر در اوضاع و احوال مورد نظر و مرتبط باید مشخص گردد. به موجب بند ۳ قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم مشمول پاراگراف یک این ماده، دیوان باید فرصتی را برای ارائه نظراتش در موضوع برای طرفین فراهم کند.

۱۲- بند ۴ ماده ۲: اتباع هر یک از طرفین معاهده در قلمرو به طرف معظم متعاقد دیگر از حد اعلای حمایت و امنیت پایدار برخوردار خواهند بود هر موقع چنین فردی در بازداشت باشد از هر جهت به نحو عادلانه و با انسانیت با وی رفتار خواهد شد و طبق تقاضای او بدون آن که تأخیر غیرلازم روی دهد به نماینده سیاسی و کنسولی کشور اطلاع و فرصت کامل داده خواهد شد تا از منافع و محافظت کند.

۱۳- بند ۲ ماده ۱۳: شهربانی با دیگر مقامات محلی موافقت صاحب منصبان کنسولی وارد ادارات کنسولی نخواهند شد مگر در مورد حریق یا بلیه دیگر یا هرگاه مقامات محلی به دلایل احتمالی معتقد شوند که با اعمال زور جنایتی در اداره کنسولی واقع شده یا در شرف وقوع است در آن صورت چنین تصور خواهد شد که با ورود مامورین مزبور موافقت شده است در هیچ موردی مقامات شهرداری یا مقامات محلی دیگر را که در آن‌جا سپرده شده است معاینه یا ضبط نخواهند کرد.

۱۴- مواد ۱۸ و ۱۹ عهدنامه مودت که دولت آمریکا با استناد به آن شکایت خود را تسلیم دیوان کرده است مربوط به حقوق اماکن کنسولی می‌باشد.

وزارت خارجه ایران با مکاتبه ای در نهم دسامبر ۱۹۷۹ و شانزدهم مارس ۱۹۸۰ دیوان بین المللی دادگستری را صالح به دخالت و رسیدگی دعوی مطروحه ندانست. پس از کش و قوس های فراوان دیوان بین المللی دادگستری اظهار داشت که اگرچه ایران مبتنی بر این عقیده که رابطه آمریکا با ایران یک رابطه ظالمانه و پر از اعمال جنایتکارانه بوده و در نتیجه همین اعمال جنایتکارانه به سفارت حمله ور شده اند، لیکن همچنان عمل اشغال و گروگانگیری توجیه کننده نخواهد بود و عمل اخیر ناقض حقوق دیپلماتیک دولت ایالات متحده آمریکا شده است و تنها ایران مجاز به انقطاع روابط سیاسی خود و اخراج دولت آمریکا بوده است و با تایید تخلف ایران از بند ۴ ماده ۲ عهدنامه، ایران را ملزم به حمایت بیشتری برای اتباع ایالات متحده آمریکا نمود. بنابراین دیوان بین المللی دادگستری با استناد به کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در حیطه روابط دیپلماتیک و کنسولی و عهدنامه مودت، خود را صالح به رسیدگی دعوی مزبور از طرف ایالات متحده آمریکا قلمداد کرد و در نتیجه در بست و چهارم می ۱۹۸۰ مبادرت به صدور رای نمود و در رای صادره اظهار داشت که اشغال سفارت آمریکا و کنسولگری های شیراز و تبریز قابلیت انتساب به دولت ایران را نخواهد داشت و مسئولیتی متوجه دولت ایران در این باب نمی گردد لیکن بر اساس مواد «۲۱»، «۲۵»، «۲۶»، «۲۷»، «۲۸» و «۲۹» کنوانسیون ۱۹۶۱ وین و حقوق بین الملل عرفی، در قبال حراست از سفارت و آرشیو ایالات متحده آمریکا و آزادی مأمورین کنسولگری در برابر حملات مردم مشمول مسئولیت بوده است که در بندهای ۶۱ و ۶۲ رای دیوان بین المللی دادگستری در ۱۹۸۰ بدان اشاره گردید (آقایی و شاه میرزایی، ۱۳۹۱، ۳۷).

با توجه به رای صادره از دیوان بین المللی دادگستری در پرونده اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ می توان چنین اظهار داشت که عهدنامه مودت پس از انقلاب اسلامی و با وجود دگرگونی های اساسی میان دول آمریکا و ایران همچنان برقرار است، چرا که به وضوح قابل درک است که در رای مزبور، دیوان بین المللی دادگستری به مواد مندرج در مفاد عهدنامه استناد نموده است و آن را مبنای رای خود قرار داد.

۳-۲- پرونده حمله ایالات متحده آمریکا به سکوهای نفتی خلیج فارس

در سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ و در اواخر تجاوز ظالمانه رژیم بعثی و دفاع مقدس، دولت ایالات متحده آمریکا به بهانه های واهی در دو حمله به تاسیسات ایران دست به نقض عهدنامه مودت و ادامه اعمال و فعالیت های خصمانه خود مبادرت ورزید. در نخستین حمله که بیست و هفتم مهر ۱۳۶۶ سکوهای نفتی «رشادت» و «رسالت»، امکان استخراج نفت از سکوهای مزبور را تماماً از بین برد و ادله خود را اصابت موشک های کرم ابریشم ایران به تانکر^{۱۵} ایالات متحده آمریکا تلقی نمود در حالی که جمهوری اسلامی

ایران قویاً با رد این اتهام، مدعی پرتاب موشک‌ها به وسیله حکومت بعث عراق شد. پس از آن در بیست و نهم فروردین ۱۳۶۷ نیز در دومین حمله نیز ایالات متحده آمریکا با مورد تجاوز قراردادن سکوهای نفتی «نصر» و «سلمان»، این سکوها را منفجر و صددرصد تخریب نمود که ادله خود را استفاده ایران از سکوهای مزبور جهت مین‌گذاری در مسیر کشتیرانی بین‌المللی در خلیج فارس تلقی کرد که در اثر آن کشتی آمریکائی^{۱۶} با چند تن از خدمه آن کشته و مجروح شدند (ممتاز، ۱۳۸۴، ۸۶).

در پی حملات مکرر و خصمانه فق‌الاشاره ایران نیز در بیست و دوم نوامبر ۱۹۹۲ اقدام به تقاضای رسیدگی از دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایالات متحده آمریکا با عنوان حمله به سکوهای نفتی کرد و دیوان بین‌المللی دادگستری را به سبب عهدنامه مودت صالح به رسیدگی و صدور رای در خصوص ادعاهای ارائه شده دانست، چرا که ایالات متحده آمریکا با اتخاذ رفتاری تهدیدآمیز و خصمانه آشکار علیه ایران و در نتیجه تجاوز به سکوهای نفتی فوق‌الاشاره و از بین بردن آن‌ها در تاریخ نوزدهم اکتبر ۱۹۸۷ و هجدهم آوریل ۱۹۸۸ دست به نقض تعهدات خویش نسبت به جمهوری اسلامی ایران به استناد بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت زده است (موثق، ۱۳۸۴، ۱۶۶).

پس از تقاضای رسیدگی ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری، ایالات متحده آمریکا نیز با لایحه‌ای اقدام به اعتراض در خصوص صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در شانزدهم دسامبر ۱۹۹۳ نمود که معاقبا دیوان بین‌المللی دادگستری با توجه به آئین دادرسی خود دادرسی ماهیت دعوا را معلق نمود و از ایران جهت پاسخ‌گویی به ایرادات وارده از سوی ایالات متحده آمریکا در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری دعوت نمود. لیکن پس از کش و قوس‌های فراوان در تاریخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور حکمی اعتراضات صلاحیتی ایالات متحده آمریکا را نادرست تلقی نمود و مطابق بند دوم^{۱۷} ماده ۲۱ عهدنامه مودت خود را صالح بر رسیدگی دعوی میان ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص تجاوز به سکوهای نفتی دانست (ممتاز، ۱۳۸۴، ۱۳). بعد صدور رای دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر صلاحیت خود در دعوی مطروحه، ایالات متحده با لایحه‌ای متقابل ضمن رد ادعای ایران، از «حالت تدافعی حقوقی» به «موضع تهاجمی حقوقی» در دیوان تقاضای حل اختلاف نمود و

16- üUSS Samuel Reberts

۱۷- بند ۲ ماده ۲۱: هر اختلاف بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحوه رضایت‌بخشی فیصله نیابد به دیوان ارجاع خواهد شد مگر این که طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسایل صلح جویانه دیگری حل شود. همچنین در بند یک ماده اشاره شده است: بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.

مدعی گردید که دولت ایران با حملات مکرر به کشتی‌های بی طرف و مین گذاری‌های وسیع در خلیج فارس در سال‌های (۱۹۸۴-۱۹۸۸)، آزادی‌های تضمین شده کشتیرانی و تجاری را با مخاطره روبرو ساخته است و تعهدات و تکالیفی که به سبب ماده ۱۰ عهدنامه مودت بر عهده داشته است را، زیرا گذاشته است (سادات میدانی، ۱۳۸۴، ۵۶) و همچنین خواهان الزام ایران به پرداخت غرامت اعمال خود، توسط دیوان بین المللی دادگستری شد. آنچه ذکر آن از اهمیت بالائی برخوردار است، هم ایران و هم ایالات متحده آمریکا در لوایح و درخواست‌های خود در دعوی مطروحه صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را در رسیدگی به این پرونده با استناد به مفاد عهدنامه مودت به رسمیت شناختند.

در نهایت دیوان بین المللی دادگستری در مورخ دهم مارس ۱۹۹۸ با اصدار قراری، به رسیدگی توانمند به هر دو دعوی دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا علیه یکدیگر مبادرت ورزید و ضمن تعیین مهلت نهائی ارائه پاسخ‌های مکتوب ایران و دفاع مجدد ایالات متحده آمریکا، تاریخ‌های معینی را برای استماع اظهارات شفاهی دو طرف تعیین نمود که در نتیجه این جلسات در تاریخ ششم نوامبر ۲۰۰۳ حکم نهائی در باب پرونده سکوهای نفتی توسط دیوان صادر شد (David, 2013, 25).

در حکم نهائی، دیوان بین المللی دادگستری مسئله سکوهای نفتی، اقدامات نظامی ایالات متحده آمریکا و تجاوز به سکوهای نفتی ایران را بر اساس قواعد حقوق بین الملل و منع استعمال از جبر و زور و بر اساس بند اول ماده ۲۰ عهدنامه مودت اقدامی خلاف قواعد تلقی نمود و ضرورت حراست منافع و امنیت حیاتی ایالات متحده آمریکا را در آن احراز نمود، لیکن ادله ایران مبنی بر اقدامات بر علیه آزادی تجاری بین قلمرو دو دولت توسط آمریکا به وسیله تجاوز به سکوهای نفتی را مطابق بند اول ماده ۱۰ عهدنامه مودت نادرست قلمداد نمود و تقاضای جبران غرامات وارده به سکوها و قطع فعالیت اقتصادی آن‌ها را رد نمود و در مقابل نیز مدعی متقابل آمریکا را با عنوان مین گذاری و شلیک موشک از ناحیه ایران و اصابت آن‌ها به کشتی‌های آمریکائی و همچنین اقدامات علیه آزادی کشتیرانی بین قلمرو دو دولت توسط ایران و درخواست جبران خسارات را صحیح ندانسته و ایران را از مسئولیت جبران خسارت مبرا اعلام نمود.

بنابراین در این پرونده ایران به منظور ارائه مبنای صلاحیتی به عهدنامه مودت استناد نمود. ایران برای احراز لازم‌الاجراء بودن عهدنامه مذکور، علاوه بر بند پیش گفته از حکم دیوان بین المللی دادگستری، به موارد دیگری نیز استناد کرد. ایران ضمن این که به قیود خود عهدنامه مودت (بندهای دوم و سوم ماده ۲۳ و ماده ۵۴ کنوانسیون) اشاره کرد، به عملکرد دو کشور نیز استناد کرد و اعلام داشت که هیچ‌یک از طرفین اقدام به اختتام عهدنامه نکرده اند و این که وزارت امور خارجه آمریکا همواره عهدنامه مودت را به عنوان عهدنامه‌ای لازم‌الاجراء در نشریه رسمی خود (معاهدات لازم‌الاجراء) مورد اشاره قرار داده است.

لذا عهدنامه مودت، معتبر و لازم‌الاجراء تلقی شده و کماکان به قوت خود باقی است و تا زمانی که به نحو مقرر در خود عهدنامه مختوم نشود، لازم‌الاجراء خواهد بود (میرفخرائی و پیری، ۱۳۹۵، ۱۱۱).

۳-۳- پرونده حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس توسط ناو آمریکائی در دوازدهم تیر ۱۳۶۷

یکی از غم‌انگیزترین و دردآورترین حوادث اواخر دهه ۱۳۶۰ را می‌توان حمله ناو آمریکائی به هواپیمای مسافربری ایران که بر فراز آب‌های سرزمینی خود به سر می‌برد، دانست که در اذهان هر ایرانی حک شده است. در پی این رفتار خصمانه ایالات متحده آمریکا، دولت ایران نیز بر علیه آمریکا در سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری (ایکائو) و ارجاع رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری در مسئله مزبور، اقدام به طرح دعوی نمود (Nancy, 2007, 77).

پس از تقاضای ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری در ورود به پرونده حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس و تقدیم دادخواستی در تاریخ بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۶۷ به دیوان بین‌المللی دادگستری، مبنی بر سقوط هواپیمای مسافربری ایرانی و کشته شدن دویست و نود مسافر و خدمه آن به وسیله شلیک موشک کروز توسط ناوبر آمریکائی، دیوان ملزم به احراز صلاحیت خود در مسئله مطروحه گردید. از دلایل ایران در لایحه تقدیمی به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان به اختلاف ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون ۱۹۴۴ هوانوردی بین‌المللی و کنوانسیون ۱۹۷۱ در خصوص ممنوعیت اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی کشوری در رابطه با حادثه مذکور اشاره نمود (Reisman, 1992, 5).

این در حالی است که در تاریخ بیست و دوم فوریه ۱۹۹۶ طرفین نامه‌ای را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه و طی آن اعلام نمودند که دولت‌های متبوع شان موافقت نمودند که قضیه را ادامه ندهند زیرا آن‌ها به تهیه و تنظیم موافقتنامه‌ای نائل شده‌اند که بر اساس آن اختلافات تفاوت در دیدگاه‌ها، ادعاها، دعاوی متقابل و مسائلی را که مستقیم یا غیرمستقیم از این قضیه ناشی می‌شود یا با آن ارتباط دارد به طور نهائی حل و فصل نموده‌اند بدین ترتیب دعوی مزبور، به استناد بند دوم ماده ۲۱ مبنی بر این‌که هرگاه طرفین موافقت کنند که اختلافات فی مابین خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک حل کرده و در غیر این صورت آن را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع کنند، از صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری خارج شد (Oona, 2012, 6)، لذا در هر سه پرونده، آنچه بیش از پیش مورد توجه و استناد طرفین دعوی قرار گرفت، عهدنامه مودت و مفاد آن بوده است، بنابراین هر دو کشور بر اعتبار آن و لازم‌الاجراء بودن آن تاکید کرده‌اند و عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در اصدار آرای نهائی خود

در پرونده های مورد بررسی، در استناد به مفاد مندرج در این عهدنامه، منجر به استحکام، اعتبار، حفظ و تصدیق عهدنامه مودت گردیده است.

۳-۴- اقدامات و تحریم های هسته ای آمریکا پس از خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

اقدامات دولت و کنگره ایالات متحده آمریکا در خصوص تصویب مقررات و اجرای قوانین ضد تروریستی علیه اموال و مؤسسات ایرانی، نقض حقوق اتباع و مؤسسات و بانک های ایرانی از جمله سلب مصونیت آنها است. به عبارت دیگر، نقض تعهد این کشور در اعطای حقوق و مزایا به اتباع و شرکت های ایرانی به عنوان مبنائی است که مستلزم مراجعه به دیوان بین المللی دادگستری است. اقدامات مزبور با تعدادی از تعهدات آن دولت در عهدنامه مودت از جمله بند اول ماده ۳ (رعایت شخصیت حقوقی مستقل شرکت های ایرانی)، بند اول ماده ۴ (رفتار عادلانه و منصفانه نسبت به اتباع و شرکت های طرف مقابل و خودداری از اتخاذ تدابیر تبعیض آمیز و غیر معقول)، بند دوم ماده ۴ (تأمین امنیت و رفتار با اموال آنها مطابق ضوابط حقوق بین الملل) و در نهایت بند اول ماده ۵ (حق فروش اموال توسط اتباع و شرکت ها) مغایرت دارد (Kempen, 2009, 926).

بنابراین از آنجا که مطابق عهدنامه مودت، ایالات متحده آمریکا پذیرفته است که در روابط دوجانبه، حقوقی که در مواد فوق الذکر به آنها اشاره شد در مورد اتباع و شرکت های ایرانی رعایت نماید، عدم رعایت آنها به معنای قصور در اجرای عهدنامه بوده و لذا طبق بند دوم ماده ۲۰ رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری قرار می گیرد (Rose, 2014, 62).

شاید گفته شود با توجه به رویه دیوان بین المللی دادگستری در قضایای صلاحیتی، اوضاع و احوال قضیه و دیپلماسی قضائی آن، احراز صلاحیت در چنین مواردی مشکل است. دولت جمهوری اسلامی ایران در بیست و پنجم تیر ۱۳۹۷ با این ادعا که برگرداندن تحریم های هسته ای ایالات متحده آمریکا که در پی خروج این دولت از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) انجام گرفت، عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و کنسولی میان دو کشور ۱۹۵۵ را نقض کرد، دادخواستی علیه این کشور در دیوان بین المللی دادگستری به ثبت رساند، همزمان از دیوان بین المللی دادگستری درخواست کرد تا دستور موقتی را با مضمون توقف و تعلیق فوری تحریم ها از جمله تحریم های فراسرزمینی و منع ایالات متحده آمریکا از پیش بینی تحریم های بیشتر صادر کند (Rylatt, 2013, 258). همچنین، ایران می خواهد ایالات متحده آمریکا فوراً اجرای کامل مبادلات از قبل اجازه داده شده به خصوص در مورد فروش هواپیمای مسافربری و قطعات یدکی آن را تجویز کند و تا سه ماه پس از انجام آنها، اقداماتی را که در راستای اجرای این امور انجام داده است، به

دیوان بین‌المللی دادگستری گزارش دهد. به علاوه، ایران می‌خواهد تا ایالات متحده آمریکا اطمینان دهد که به کلیه اظهارات و اعمالی که اتباع آمریکائی یا غیر آمریکائی را از انجام یا ادامه فعالیت اقتصادی با ایران، شرکت‌ها و اتباع ایرانی ناامید می‌کند، پایان دهد.

مدیر دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری، پنجم تا هشتم شهریور ۱۳۹۷ (آگوست ۲۰۱۸) را به منظور رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت تعیین کرد (Fischer, 2018, 125). دیوان بین‌المللی دادگستری که در چهار روز کاری استدلال‌ها و دفاعیات طرف‌های اختلاف را استماع کرد، در یازدهم مهر ۱۳۹۷ به اغلب اقدام‌های درخواستی از سوی دولت خواهان (ایران) به اتفاق آراء پاسخ مثبت داد و حتی قاضی «چارلز براور»^{۱۸} نیز با دستور موقت موافق کرد. ایالات متحده آمریکا پس از صدور دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری با اتخاذ موضع قابل پیش‌بینی، اعلام کرد که از عهدنامه مودت خارج خواهد شد. البته خروج از عهدنامه مودت که در خود سند نیز پیش‌بینی شده است، تأثیری بر دعوای مطروحه نخواهد داشت و اقدام به خروج، عطف بماسبق نخواهد شد، چرا که الزام و تعهد به اجرای دستور ناشی از خود دستور و به خصوص اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است و مستلزم اعتبار عهدنامه نیست. بنابراین، خروج ایالات متحده آمریکا از عهدنامه تأثیری بر دعوای و احکام صادر شده در آن دعوی ندارد. به علاوه، حتی پس از خاتمه عهدنامه مودت در روابط میان طرفین نیز هر یک از آن‌ها می‌توانند دعوای ای را که منشأ و سبب ادعای آن‌ها در زمان لازم‌الاجراء بودن عهدنامه ایجاد شده است، در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کنند (زمانی، ۱۳۹۷).

نتیجه

به استناد اعتبار و لازم‌الاجراء بودن عهدنامه مودت ۱۹۵۵ منعقد شده بین دو دولت ایران و ایالات متحده آمریکا، تحریم‌های اعمالی از جانب کشور آمریکا به صورت مستقیم و صراحتاً ناقض مفاد مندرج شده در عهدنامه مودت می‌باشد و با توجه به این نکته که دو کشور در پرونده‌های پیشین ارجاعی خود به دیوان بین‌المللی دادگستری به این عهدنامه استناد کرده‌اند و با توجه به نقض این عهدنامه توسط ایالات متحده آمریکا، این حق برای ایران وجود داشت که از ایالات متحده آمریکا با استناد به نقض این عهدنامه به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند. قابلیت استناد به عهدنامه مودت را در رای دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده سکوه‌های نفتی نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد. همچنین در مورد تحریم‌ها که نقض عهدنامه ۱۹۵۵ بوده است و به موجب بند اول ماده ۲۰ موجه نمی‌باشد واضح است که دیوان بین

المللی دادگستری چنین حقی را برای ایران به رسمیت شناخته و عهدنامه مودت را دارای قابلیت استناد در پرونده تحریم‌های اعمالی از سوی ایالات متحده آمریکا می‌داند. بنابراین عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان ایران و ایالات متحده آمریکا قابلیت استناد در پرونده تحریم‌های غرب علیه ایران را داشته و در واقع این تحریم‌ها نقض مفاد مندرج در عهدنامه مودت می‌باشند. با توجه به این عهدنامه می‌توان به استیفای حقوق دیوان بین‌المللی دادگستری پرداخت.

تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در این مسائل و به ویژه دستور موقت در تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا پس از خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، نشان دهنده رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در تفسیر مضیق عهدنامه مبنای صلاحیت است، زیرا دیوان بین‌المللی دادگستری به ایرادها و ملاحظات ایالات متحده آمریکا درباره تفسیر ماده ۲۱ عهدنامه مودت در زمینه صلاحیت توجهی نکرد و خود را محدود و مقید به عبارات و متن ماده ۲۱ دانست. به علاوه، اگرچه تبعیت از رویه قضائی در دیوان بین‌المللی دادگستری وجود ندارد، دیوان بین‌المللی دادگستری به تصمیمات و یافته‌های قبلی خود به ویژه در زمینه مسائل شکلی و صلاحیتی پایبند است.

منابع

فارسی

- آقایی، سیدداوود و شاه میرزایی، آیت الله، ۱۳۹۱، **سازمان های بین المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسان شریف.
- امینی، اعظم و عابد، محمد، ۱۳۹۸، آثار حقوقی خروج ایالات متحده آمریکا از عهدنامه مودت و تأثیر آن بر فرآیند دادرسی در دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی**، شماره ۳۶.
- زمانی، سیدقاسم، ۱۳۹۷، **نشست علمی بررسی ابعاد حقوقی قرار موقت دیوان بین المللی دادگستری در پرونده ایران علیه ایالات متحده آمریکا**، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سادات میدانی، سیدحسین، ۱۳۸۴، ادله اثبات دعوی در قضیه سکوه‌های نفتی، **مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی: دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا**، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شهبازی، آرامش، ۱۳۹۰، اعتبار عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، **مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۴۴.
- فلسفی، هدایت الله، ۱۳۹۱، **حقوق بین الملل معاهدات**، ویراست سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات فرهنگ نو.

- ممتاز، جمشید، ۱۳۸۴، **مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی: دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا**، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- موثق، هومن، ۱۳۸۴، **قابلیت اعمال عهدنامه مودت ۱۹۵۵ ایران و ایالات متحده آمریکا در قضیه سکوه‌های نفتی**، **مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی: دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا**، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میرفخرائی، سیدحسین و پیری، صادق، ۱۳۹۵، **استنادپذیری عهدنامه مودت ۱۹۵۵ درباره تحریم‌های غرب علیه ایران**، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۹، شماره ۳۴.
- نقدی، جعفر، ۱۳۹۱، **اصول روابط بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسان شریف.
- یوسفی، مصطفی، ۱۳۹۱، **اعتبار عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان ایران و آمریکا در حقوق و رویه بین‌المللی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

لاتین

- Christise, G. C. **Current Trends in the American Law of Punitive Damages**, Anglo-American Law Review, 1991
- David, P. S. **The foreign sovereign immunities act: a guide for judges**, federal judicial center, 2013
- Herman, Walker, **Modern Treaties of Friendship, Commerce and Navigation**, 42 Minn. L. Rev, 1958
- Fischer, Paula, **The Iranian Suit against the US Sanctions and the 1955 Treaty of Amity: Brilliant Plan or Aberration?**, 2018 www.ejiltalk.org.
- Kempen, Bernhard and He, Zan. **The Practice of the International Court of Justice on Provisional Measures: The Recent Development**, Zeitschrift fur auslindisches offentliches Recht und Volkerrecht, Vol. 69(3), 2009, pp. 919-929
- Nancy J. Cook, **Stories of Modern Technology Failures and Cognitive Engineering Successes**, CRC Press, 2007
- Oona A. Hathaway, Sabrina McElroy and Sara Aronchik Solow, **International Law at Home: Enforcing Treaties in U.S. Courts?**, 37 Yale Journal of International Law 51, 52, 2012
- Philip, Hersh, **US Match Just a Game to Iranians**, CHI. TRIB., Jan21
- Reisman, William Michael, **Regulating Covert Action**, Yale University Press, 1992

-
- Rylatt, Jake W. Provisional Measures and the Authority of the International Court of Justice: Sovereignty vs. Efficiency, *Leeds Journal of Law & Criminology*, Vol. 1, No. 1, 2013, pp. 231-273
 - Rose, Cecily. The Protection of Communications between States and Their Counsel in International Dispute Settlement, *Cambridge Law Journal*, Vol. 73(2), 2014, pp. 45-68
 - Wrestlers, **Score Points in Tehran Cheers US Medalists Carrying Iranian Flag, Portrait**, CHI. TRIB., Feb. 1998

قوانین

- عهدنامه مودت میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۵
- کنوانسیون های وین روابط دیپلماتیک و کنسولی مصوب ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳
- کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹

Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption *Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention*Mohammad Mobini Far, Marzieyh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom *Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child *Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession *Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand